

نظریه نایدا

فرزانه فرحزاد*

چکیده

نظریه نایدا که بر اساس زبان‌شناسی گشتاری استوار است، یکی از پرفردارترین نظریه‌های ترجمه در قرن بیستم است. مقاله حاضر به بررسی و نقد مواردی چون تعریف ترجمه، مفهوم معادل، تحلیل دستوری و گشتار زدایی در این نظریه می‌پردازد و بر آن است که این نظریه، به رغم کاستی‌هایش، اهمیت فراوانی در ترجمه‌شناسی دارد، زیرا هم ابزاری برای تحلیل و طبقه‌بندی مسائل ترجمه‌ای فراهم آورد و هم راهکارهای مؤثری در اختیار مترجمان قرار داد.

مقدمه

نظریه نایدا که بر اساس زبان‌شناسی گشتاری استوار است، یکی از پرفردارترین نظریه‌های ترجمه در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ است. نایدا سالها در مقام مترجم و سرپرست انجمن ترجمه کتاب مقدس^۱ در جریان مشکلات ترجمه این کتاب به زبانهای مختلف به دست میسیونرهای مسیحی قرار گرفت. او در پی یافتن راه حل برای این مشکلات، از زبان‌شناسی گشتاری مدد جست و بسیاری از مفاهیم آن را در خدمت ترجمه به کار گرفت. او در ۱۹۶۴ نخستین کتاب خود را در این حوزه با عنوان به سوی علم ترجمه^۲ نوشت.

این کتاب نثری کم و بیش دشوار دارد. دشواری آن هم ناشی از اصطلاحاتی است که در آن آمده، و هم ناشی از مفاهیمی است که در آن مطرح شده، که این هر دو در اوایل دهه ۶۰ تازگی بسیار داشت. این امر موجب شد کتاب فوق چندان با استقبال مواجه نشود. اما کتاب دیگر نایدا با عنوان نظریه و عمل ترجمه^۳، که به کمک چارلز تیبر (Charls Taber) تهیه شد، و نخستین بار در ۱۹۶۹ به چاپ رسید، نثری به مراتب ساده‌تر دارد و با مثالها و توضیحات مفصلی همراه است.

* عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی

۱. Bible Translating Society.
۲. Toward A Science & Translating.
۳. The Theory & Practice & Translating.

همین امر موجب شد این کتاب، در اروپا و آمریکا با استقبال فراوان مواجه شود، چندان که ترجمه شناسان امروز آن را یکی از برجسته ترین آثار این رشته می‌دانند. آنچه در این جا می‌آید معرفی و نقد نظریه نایدا در مورد تعریف ترجمه و معادل، تحلیل دستوری و گشتارزدایی است.

تعریف ترجمه و معادل

نایدا در ابتدای این کتاب می‌گوید هر تعریفی از ترجمه در واقع بستگی به هدفی دارد که از ترجمه در نظر داریم. او تحت تأثیر نظریه ارتباط^۱ تعریفی بسیار کلی از ترجمه به دست می‌دهد و می‌گوید:

ترجمه (کردن) یعنی تولید دوباره پیام زبان مبدأ در زبان دریافت کننده، در قالب نزدیکترین و طبیعی‌ترین (مصطلح‌ترین) معادل نخست از لحاظ معنا و سپس از لحاظ سبک.

در این تعریف، نایدا به جای متن، کلمه پیام را به کار می‌برد، زیرا معتقد است هدف ترجمه باید عمدتاً تولید دوباره پیام در زبان دیگر باشد، که خود از نظر او مستلزم اعمال انواع سازگاری‌های^۲ دستوری و واژگانی است (همانجا ص ۱۲). مثلاً طبق نظر او اصطلاحی را که در متن عبری کتاب مقدس آمده و به معنای خون کرم است، نمی‌توان لفظی به انگلیسی ترجمه کرد، بلکه باید آن را بر اساس پیامی که در بر دارد به عبارتی نظیر *tender compassion* (شفقت مهر آمیز) در انگلیسی برگرداند.

اما پیام چیست؟ از مثال نایدا چنین بر می‌آید که پیام اولاً با معنا تفاوت دارد، ثانیاً در متن نیست، بلکه فرا متنی است. اما اگر با معنا تفاوت دارد، آیا همه پیامی واحد از متن مبدأ دریافت می‌کنند، یا هر کسی (هر خواننده‌ای) پیامی متفاوت دریافت می‌کند؟ و اگر پیام در متن نیست، چگونه می‌توان به آن پی برد؟

درعین حال ظاهراً از نظر نایدا، معادل در ترجمه واحد است. یعنی هر متن مبدأ فقط یک معادل ترجمه‌ای دارد. این برداشت از آن جا پدید می‌آید که نایدا در تعریف فوق کلمه معادل را با حرف تعریف *the* معرفی می‌کند (*the closest natural equivalent*). اما اگر معادل

۱. Communication .

۲. adjustments.

نظریه نایدا ۳۷

در ترجمه واحد باشد، تمام ترجمه‌هایی که در برابر هر متن مبدأ در زبان (های) مقصد پدید می‌آیند، باید عیناً مانند یکدیگر باشند، حال آنکه چنین چیزی تقریباً محال است. نکته دیگر دو اصطلاح نزدیکترین و طبیعی‌ترین (یا به عبارتی مصطلح‌ترین) است که از نظر او ویژگی‌های معادل ترجمه‌ای هستند، یعنی معادل باید هر دو ویژگی را دارا باشد. اما این دو ویژگی عملاً با یکدیگر در تضاداند، و معادل ترجمه‌ای در واقع بر روی طیفی حرکت می‌کند که در یک انتهای آن نزدیکترین معادل قرار دارد و در انتهای دیگر آن طبیعی‌ترین معادل؛ ظاهراً معادل ترجمه‌ای دقیق و مطلوب آن است که در وسط این طیف قرار بگیرد:

×-----×

نزدیکترین	معادل دقیق و	طبیعی‌ترین
معادل	مطلوب	معادل

اما واقعیت این است که جز در مورد تطابق‌های واژگانی (مؤلفه‌ای) مطلق، که غالباً در ترجمه و معادل‌گزینی برای بعضی اصطلاحات علمی و فنی پیش می‌آید، معادل ترجمه‌ای غالباً یا به سمت طبیعی بودن میل می‌کند، یا به سمت نزدیک بودن. معادلی که در زبان مقصد کاملاً طبیعی و مصطلح باشد، غالباً نزدیکترین معادل نیست، و معادلی که به زبان مبدأ بسیار نزدیکتر باشد، دیگر در زبان مقصد طبیعی و مصطلح نیست. مثلاً عبارت یک لقمه نان در برابر a slice of bread معادلی بسیار طبیعی و مصطلح است، اما خواننده یا شنونده را به یاد انواع نان ایرانی می‌اندازد، نه نان (به قول امروزی‌ها) فانتزی. در عین حال عبارت یک برش نان در برابر همان عبارت انگلیسی، معادلی است بسیار نزدیک، زیرا یادآور برش عمودی (مثلاً در مورد نان تست) است اما در فارسی معادلی طبیعی نیست. پس آن معادل که نایدا در نظر دارد چیست؟

فراموش نکنیم که نایدا سالها سرپرست انجمن ترجمه کتاب مقدس بوده است. هدف این انجمن معرفی مسیحیت به جهان و ترغیب جهانیان به گرویدن به این دین است، چنان که تاکنون این کتاب به بیش از ششصد زبان ترجمه شده. همین هدف، تعریف کلی نایدا را از ترجمه توجیه می‌کند. اگر معادل‌هایی که در ترجمه کتاب مقدس به کار می‌رود، در زبان‌های مقصد طبیعی نباشند، سخنگویان زبان مقصد، با کتاب مقدس فاصله می‌گیرند، با آن احساس بیگانگی می‌کنند و از مسیحیت رویگردان می‌شوند، و اگر طبیعی و مصطلح باشند، رنگ و

بوی بیگانگی ندارند ، سخنگویان زبان مقصد با آنها احساس نزدیکی می‌کنند، و به مسیحیت علاقمند می‌شوند . از سوی دیگر ، همین معادل‌ها اگر به متن مبدأ نزدیک نباشند ، متن کتاب مقدس تحریف و دستخوش دخل و تصرف می‌شود. پس در این جا معادل مطلوب آن است که ضمن احتراز از تحریف خواننده را جلب کند و در او واکنش مساعدی نسبت به مسیحیت برانگیزد ، همان واکنشی که با خواندن متن مبدأ (انجیل انگلیسی) در مسیحیان برانگیخته می‌شود . این معادل را نایدا معادل پویا می‌نامد .

او ضمن بحث مفصلی در مورد معادل ، برای آن دو نوع قائل می‌شود : معادل صوری^۱ و معادل پویا^۲ . از نظر او معادل صوری معادلی است که از لحاظ معنا تحت‌اللفظی و از لحاظ ساختار ، به شدت تابع ساختار زبان مبدأ است . نایدا این گونه معادل را رد می‌کند و به جای آن معادل پویا را توصیه می‌کند . از نظر او معادل پویا معادلی است که در خواننده متن مقصد همان واکنشی را برانگیزد که متن مبدأ در خواننده متن مبدأ برانگیخته است (همانجا صص ۲۸-۲۲) .

اما مفهوم معادل پویا ، که بر اصل « معادل طبیعی » استوار است ، خود مفهومی کم و بیش گنگ است ، و معلوم نیست برای دستیابی به آن مترجم تا کجا باید پیش برود و تا چه اندازه رنگ و بوی ترجمه را باید از متن مقصد بزدايد . زیرا معادل وقتی به اصطلاح پویا می‌شود که رنگ و بوی زبان مقصد را به خود بگیرد ، و گاه از بافت فرهنگی خود فاصله بگیرد و درباقت فرهنگی زبان مقصد بومی شود . خود نایدا هم حد و مرزی برای این بومی سازی معلوم نمی‌کند . مثلاً جایی در کتاب خود (ص ۹۸) می‌گوید :

این که مردم تمام جزئیات مهم ماجرای را به خوبی دریابند ، به این معنا نیست که واکنش آنها نسبت به پیام (مورد نظر) همان واکنشی باشد که دیگران ابراز داشته‌اند . مثلاً سرخپوستان گویکا (Guaica) در ونزوئلا جنوبی از [شنیدن] حکایت محاکمه حضرت مسیح و مرگ او به هیچ وجه متأثر نشدند ، زیرا در نظر ایشان، حضرت مسیح بسیار بزدل بوده که در باغ جتسیمانی جنگی راه نیانداخته است . هر کسی که [در آن شرایط] نجنگد یا دست به فرار نزند ، از نظر قوم گویکا

۱. formal
۲. dynamic

نظریه نایدا ۳۹

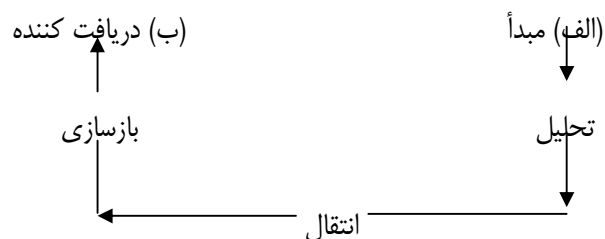
شایسته مرگ است . از آن گذشته قوم گویکا برآند که در جنگ مردن به مراتب بهتر از آن است که آدمی چون یک مجرم معمولی به دار آویخته شود .

در چنین موردی ، چگونه می توان به معادل پویا دست یافت ؟ اصلاً معادل پویا در این جا چیست؟ اگر قرار باشد سرخپوستان گویکا همان واکنشی را نسبت به سرانجام حضرت مسیح نشان دهند که مثلاً اقوام اروپایی ، پس لابد باید سرانجام حضرت مسیح را طبق ارزشهای آنان تغییر داد و مثلاً حکایتی دیگر ساخت که در آن حضرت مسیح مصلوب نمی شود و تا پای مرگ می جنگد ! .

از این رو مفهوم معادل پویا را ترجمه شناسان بسیاری رد کرده اند ، از جمله نیومارک (۱۹۸۱) و بسنت (۱۹۸۰) ، که معتقد است واکنش هیچ دو خواننده ای نسبت به هیچ متنی یکسان نیست ، حتی اگر به یک جامعه زبانی و بافت فرهنگی و اجتماعی واحدی تعلق داشته باشند ، چه رسد به دو جامعه زبانی مختلف ، یعنی زبان مبدأ و مقصد . از نظر او پدید آمدن واکنش یکسان امری محال است .

تحلیل دستوری

مهمترین فصل کتاب نایدا ، فصلی است با عنوان تحلیل دستوری . نایدا سه مرحله برای فرآیند ترجمه قائل می شود و آن را به صورت زیر نشان می دهد (ص ۳۳) :



از نظر او در مرحله تحلیل ، رو ساخت (یعنی متن / پیام به صورتی که در زبان مبدأ آمده) از لحاظ معنای کلمات و ترکیبات و روابط دستوری میان آنها تحلیل می شود ، و در مرحله انتقال ، مطلب تحلیل شده در ذهن مترجم از زبان (الف) به زبان (ب) برگردانده می شود ، و در مرحله

بازسازی ، مطلب برگردانده شده بازسازی می شود تا پیام نهایی در زبان مقصد کاملاً قابل فهم و پذیرفتنی باشد .

نایدا می گوید که در مرحله تحلیل، پیام (یعنی متن) از دو جنبه تحلیل می شود : از لحاظ روابط دستوری میان کلمات و از لحاظ معنای کلمات ، که خود ، شامل تحلیل معنای ارجاعی و معنای ضمنی می شود . او بحث تحلیل دستوری را با این موضوع آغاز می کند که دستور معنا دارد ، به عبارتی ، جایگاه دستوری که هر کلمه در جمله اشغال می کند ، به آن معنا می دهد ، مثلاً در جمله‌ای نظیر *It was brillig* (ص ۵- ۳۴) ، با وجودی که کلمه *brillig* در انگلیسی معنایی ندارد ، اما به علت حضور *It* و *was* این تصور پیش می آید که جمله فوق جمله‌ای اسنادی است که *was* فعل آن است ، *It* مسندالیه و *brillig* مسند است . پس هویت دستوری کلمه *brillig* قاعداً یا اسم است یا صفت ، زیرا در بخش متمم جمله‌های اسنادی یا اسم قرار می گیرد یا صفت . نایدا (ص ۳۵) چنین نتیجه می گیرد که با وجودی که جمله ظاهراً بی معناست ، اما با در نظر گرفتن جایگاه و نقش دستوری کلمات می توان معنایی غیر دقیق از جمله استنباط کرد : چیزی بود (مثلاً درختی بود) ، یا وضعیتی بود (مثلاً تاریک بود یا صبح بود ...) ، ...

گشتار زدایی (تأویل)

نایدا که پیرو دستور گشتاری است برای رفع ابهام از متن ، یعنی رو ساخت ، گشتارزدایی^۱ را توصیه می کند و منظورش در واقع نوعی تأویل یا حرکت به سمت ساختارها پایه ، یعنی سطح جمله‌های هسته‌ای است . او می گوید (ص ۳۹) :

... در این کتاب ... توصیه نمی کنیم که مترجم از سطح جمله‌های هسته‌ای

پایین تر برود و به سمت ساختارهای زیر بنایی ، یعنی ژرف ساخت حرکت کند .

او برای رفع ابهام از ترکیبات مضافیه ، آنها را به جمله تبدیل می کند ، یعنی بسط می دهد و به صورت جمله‌های ساده و گشتار زُدوده در می آورد (ص ۳۶):

1. the will of God = God wills.
2. The creation of the world = God creates the world.

۱. back – transformation

نظریه نایدا ۴۱

طبق نظر او جمله زیر را می‌توان چنین تحلیل کرد (ص ۵۱):

John ... preached a baptism of repentance for the forgiveness of sins .

1. John preached.
2. John baptized the people.
3. The people repent.
4. God forgives X.
5. The people sin.

که در آن صورت معنایش چنین است: یحیی مردم را غسل توبه می‌داد تا گناهانشان بخشوده شود.^۱ نایدا این شیوه تحلیل، یعنی گشتار زدایی و رسیدن به سطح جمله‌های هسته‌ای را نوعی بازنویسی^۲ می‌داند و برای آن پنج مرحله قائل می‌شود (ص ۵۲):

- ۱- شناسایی نقش کلمات
 - ۲- آشکار کردن عناصر تلویحی (از جمله بسط مفصل یک عبارت، افزودن عناصری که در روساخت حذف شده، مثلاً فعلی که به قرینه حذف شده و نظایر اینها).
 - ۳- تعیین جمله‌های هسته‌ای
 - ۴- تعیین روابط میان جمله‌های هسته‌ای (از نظر تقدم و تأخر زمانی و مکانی و روابط علی).
 - ۵- بازنویسی (یا بیان دوباره) متن گشتار زدایی شده در سطح جمله‌های هسته‌ای.
- چنان که از تحلیل فوق بر می‌آید، گشتار زدایی و بیان مفاهیم در سطح جمله‌های هسته‌ای در واقع به نوعی بیان متن در سطح گزاره‌هاست، یعنی استخراج گزاره‌ها از متن. پس آن چه نایدا جمله هسته‌ای می‌خواند، با آن که از لحاظ دستوری تابع ساختارهای هسته‌ای است^۳، در واقع گزاره است. البته او در ادامه همین بحث می‌گوید که این شیوه گشتار زدایی تنها به کار رفع ابهام از روساخت (متن) می‌آید و پس از این مرحله باید کل روساخت (متن) را به زبان مقصد برگرداند، نه تک تک جمله‌های گشتار زدایی شده را. روش او ظاهراً بر این نظریه استوار است که گزاره‌ها در ترجمه ثابت باقی می‌مانند، نظریه‌ای که از نظر بعضی صاحب‌نظران جای تردید دارد (ن. ک. لاینز ۱۹۹۵، ص ۱۲۳). در واقع این روش دو اشکال دارد. نخست

^۱ یحیی به تعمیم توبه جهت آمرزش گناهان مرعظه می‌کرد. (لوقا - باب سوم)

یحیی به جهت آمرزش گناهان به تعمیم توبه موعظه می‌نمود (مرقس - باب اول)

۲. Paraphrase

۳. Kernel structures

آنکه موجب می‌شود متن مبدأ تا سطح مجموعه‌ای از چندین گزاره تقلیل پیدا کند ، و معنای تلویحی آن این است که می‌توان هنگام ترجمه ، جمله‌های طولانی متن مبدأ را به جمله‌های کوچکتر تبدیل کرد ، و حتی آنها را ساده کرد . دوم آن که این استنباط را پیش می‌آورد که همه خوانندگان ، متن مبدأ را به صورتی واحد تحلیل می‌کنند و به جمله‌های هسته‌ای یکسانی دست پیدا می‌کنند ، در حالی که چنین نیست . تحلیل متن مبدأ و استخراج جمله‌های هسته‌ای و گزاره‌ها خود تابع دو عامل است : یکی بافت متن و دیگری برداشت خواننده / مترجم از متن . مثلاً خواننده / مترجمی که با بافت کتاب مقدس آشنایی نداشته باشد و نداند یحیی که بوده و چه کرده ، ممکن است برداشت دیگری از جمله نمونه فوق بکند و آن را چنین تحلیل کند :

1. John preached.
2. John preached baptism.
3. The baptism makes people repent .
4. God forgives.
5. The people sin.

و در نتیجه آن را چنین معنا کند :

یحیی غسل توبه را برای آمرزش گناهان به مردم می‌آموخت .

پس تأویل ، گشتار زدایی یا به عبارتی بازنویسی متن در سطح گزاره‌ها ، همه تابع بافت متن و برداشت مترجم است . در این صورت بعید است ترجمه متنی حتی در سطح گزاره‌ها با متن مبدأ کاملاً برابر باشد .

البته بعدها لارسن (۱۹۸۴) و بل (۱۹۹۱) برای رسیدن به آنچه که محتوای ثابت گزاره‌ای^۱ جمله‌ها و عبارات متن مبدأ می‌نامیدند ، این شیوه نایدا را به کار گرفتند (ن.ک. بل ۱۹۹۱ صص ۱۱۰-۱۰۶) . هر دو این صاحب‌نظران برای نشان دادن راه رسیدن به محتوای ثابت گزاره‌ها ، جمله‌های بسیار ساده‌ای را مثال می‌زنند که فارغ از بافت هم ، معنایی کم و بیش مشخص دارند . مثلاً لارسن (۱۹۸۴ص ۱۹۲) نمونه زیر را ذکر می‌کند:

John rejected peter's offer.

- a. John rejected.
- b. Peter offered.

نظریه نایدا ۴۳

بل (۱۹۹۱ ص ۲۲۳) هم مثال زیر را می‌آورد:

The shooting of the Archduke infuriated his supporters.

- a. Someone shot the Archduke.
- b. This infuriated his supporters.

و به علت وجود ابهام در جمله، تحلیل دیگری را هم مطرح می‌کند:

- c. The Archduke shot someone.
- d. This infuriated his supporters.

در ترجمه نمونه لارسن به فارسی این احتمال وجود دارد که گزاره‌ها ثابت باقی بمانند:

۱- جان پیشنهاد پیتر را رد کرد.

الف - پیتر پیشنهاد کرد.

ب - جان رد کرد.

اما در ترجمه نمونه بل به فارسی، مترجم باید یکی از دو مجموعه a/b یا c/d را انتخاب کند، به عبارت دیگر، جمله متن مبدأ را که در زبان مبدأ حاوی ابهام است نمی‌توان طوری به فارسی ترجمه کرد که ابهام آن حفظ شود، پس مترجم به ناچار باید از میان دو مجموعه فوق یکی را انتخاب کند و ترجمه فارسی خود را بر آن اساس تنظیم کند:

۲- تیراندازی به آرچ دوک طرفداران او را بر آشفست.

الف - کسی به آرچ دوک تیراندازی کرد.

ب - طرفداران او بر آشفستند.

یا

۱-۲ تیراندازی آرچ دوک طرفداران او را بر آشفست.

الف - آرچ دوک تیراندازی کرد.

ب - طرفداران او بر آشفستند.

پس در این جا، حتی اگر فرض را بر آن بگذاریم که گزاره‌های هر یک از دو مجموعه a/b یا c/d در ترجمه حفظ می‌شود، باز مسئله این است که مترجم کدام مجموعه را انتخاب کند، و انتخاب او به ناچار تابع بافتار متن و برداشت شخصی خود اوست.

علاوه بر این‌ها، انتخاب جمله‌های ساده و بافت زدوهای^۱ چون جمله‌های فوق، مشکلات دیگر تحلیل گزاره‌ای را از نظر پنهان می‌کند. به نمونه‌های زیر توجه کنید.

3- John is as tall as Peter.

a. Peter is tall.

b. John is tall.

یکی از ترجمه‌های بسیار محتمل جمله فوق به فارسی چنین است:

۳- جان هم قد پیتر است.

اما گزاره‌های این جمله فارسی با گزاره‌های جمله انگلیسی فوق تفاوت دارد:

الف - جان قد(ی) دارد.

ب - پیتر قد(ی) دارد.

از تحلیل گزاره‌ای جمله انگلیسی فوق چنین بر می‌آید که جان و پیتر هر دو بلند قد هستند، نه کوتاه قد، حال آن که گزاره‌های ترجمه فارسی همان جمله خنثی هستند و بی آنکه به بلندی و کوتاهی جان و پیتر اشاره کنند، حاکی از آنند که این دو هم قد هستند، چه بلند باشند، چه کوتاه. البته می‌توان همین جمله انگلیسی را به صورت دیگری هم به فارسی ترجمه کرد:

۱-۳- جان به بلندی پیتر است.

ج- جان بلند قد است.

د- پیتر بلند قد است.

در این صورت گزاره‌های جمله فارسی فوق با گزاره‌های جمله انگلیسی شماره ۳ برابر می‌شود. اما در واقع جمله ۳ غالباً در انگلیسی به صورت جمله‌ای خنثی به کار می‌رود (فارغ از تحلیل گزاره‌ای اش): حتی اگر جان و پیتر هر دو کوتاه قد باشند، باز هم غالباً می‌گویند:

John is as tall as Peter. ، و نه John is as short as Peter.

که از لحاظ معنایی نشاندار است و تنها هنگامی به کار می‌رود که منظور تأکید بر کوتاهی قد این دو نفر باشد. به عبارت دیگر تحلیل گزاره‌های جمله انگلیسی شماره ۳ حاکی از معنای

نظریه نایدا ۴۵

خاصی است که با معنای کاربردی^۱ آن جمله در زبان انگلیسی تفاوت دارد. اما در ترجمه ۱-۳، محتوای گزاره‌ای، معنا، و معنای کاربردی، هر سه یکی است: جان و پیتر هر دو بلند قد هستند. به این ترتیب بعید است محتوای گزاره‌ای در ترجمه ثابت بماند. به علاوه، محتوای گزاره‌ای، یعنی معنای حاصل از تحلیل گزاره‌ای، با معنای کاربردی برابر نیست، و ترجمه با معنای کاربردی سرو کار دارد، نه معنای گزاره‌ای، و هرگاه این دو باهم اختلاف داشته باشند، تنها معنای کاربردی است که به زبان مقصد منتقل می‌شود. پس این احتمال وجود دارد که در تحلیل گزاره‌ای جمله‌ای که قصد ترجمه آن را داریم، به معنای گزاره‌ای خاصی دست پیدا کنیم که با معنای کاربردی جمله در دست ترجمه تفاوت داشته باشد. از آن گذشته، گزاره‌های هر جمله متن (مبدأ) در چارچوب بافت متن شکل می‌گیرند و آشکار می‌شوند و در نتیجه مشمول تعبیر و تفسیر شخص مترجم از متن و بافت آن می‌شوند، تا آن جا که متن‌هایی که ظاهراً از لحاظ گزاره‌ای محتوایی یکسان دارند، گاه در بافت‌های مختلف، از لحاظ کاربرد زبانی معنایی کاملاً متفاوت پیدا می‌کنند (ن.ک. بکس ۱۹۹۶، ص ۱۳۴). همین جنبه تفسیری تحلیل گزاره‌ای موجب پدید آمدن انواع تحریف^۲ می‌شود.

با این حال و به رغم موارد فوق، نظریه نایدا نه تنها راه ترجمه‌شناسی را هموار ساخت و امکان تحلیل و طبقه‌بندی دقیق نکات و مسائل ترجمه‌ای را فراهم ساخت، بلکه با ارائه راهکارهای مؤثر به مترجمان، به ویژه مترجمان کتاب مقدس، کمک فراوان کرد.

مراجع

1. Bassnett, S. 1980 . *Translation Studies*. New York. And London : Reutledge.
2. Bell. R . 1991 . *Translation and Translating* . London : longman.
3. Bex, T. 1996 . *Varieties in Written English : Texts in Societies and Societies in Text*. New York and London : Routledge.
4. Farahzad , F. 2000 . *Interpretation and Manipulation : A post – Structural Approach to Translation* (unpublished Dissertation) . Allameh Tabataba'i University' Tehran.

۱. meaning in use

۲. manipulation

5. Larson , M. 1984. *Meaning –Based Translation*. Boston: University Press America Inc.
6. Mauranen , A. and Pekka kojamaki (eds.) 2004. *Translation Universals : Do they Exist?* Amsterdam: John Benjamins Publishing Co.
7. Munday. J. 2004 . *Introducing Translation studies*. New York and London : Routledge.
8. Newmark , P. 1988. *A Textbooks of Translation* . New York: Prentice Hall.
9. Nida, E . and Charles Taber. 1964 . *The theory and Practice of Translation* . Leiden : Brill.